



گزارش نشست علمی اول مرکز رصد فرهنگی کشور

الزامات تأسیس و توسعه مرکز داده‌های فرهنگی کشور

در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۰ نشست تخصصی با حضور حسین میرزایی (مشاور و مدرس حوزه دولت الکترونیک)، کرم حبیب‌پور گتابی (عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی)، جعفر تنها (هیئت علمی دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تبریز) و سیدمسعود حسینی گهر (مسئول IT مرکز رصد فرهنگی) به صورت آنلاین برگزار شد که گزارش مشروح این نشست ارائه می‌شود.

مقدمه

تأسیس و توسعه بانک داده‌ها و اطلاعات (پایگاه داده)، از ضرورت‌های پژوهش، برنامه‌ریزی و مدیریت است. بانک اطلاعات یا «پایگاه داده» [۱] به مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط و ساختارمند گفته می‌شود که دسترسی به آن از طریق سیستم مدیریت پایگاه داده [۲] صورت می‌گیرد. یکی از اهداف عمده مرکز رصد فرهنگی کشور، تأسیس و توسعه مرکز داده‌های فرهنگی کشور است که کارکردهای آن عبارت است از:

تجمیع و یکپارچه‌سازی داده‌های فرهنگی (داده‌های پیمایشی، سرشماری، ثبتی، شبکه‌ای و ...)

دسترسی یکپارچه به داده‌ها و امکان تحلیل و مقایسه داده‌ها و اطلاعات
ایجاد و تولید گزارش‌های ترکیبی (بر اساس داده‌های متنوع در دیتابیس)
تجزیه و تحلیل داده‌های انباشتی و تولید دانش مبتنی بر داده‌های کلان
تهیه اطلس فرهنگی کشور در گستره ملی و استانی
نمایش برخط و گرافیکی نتایج داده‌های فرهنگی در داشبورد پایگاه داده در سطوح مختلف جغرافیایی
شکل‌گیری سامانه دینامیک از پایگاه داده و تجزیه و تحلیل آنلاین متغیرهای مختلف
جلوگیری از پراکندگی داده‌های فرهنگی و ساماندهی وضعیت آمارها، پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های shy­ها
ممانعت از طرح‌ها و برنامه‌های موازی و تکراری در مؤسسات و سازمان‌ها مختلف فرهنگی
شکل‌گیری شبکه داده و اطلاعات در بین همه سازمان‌ها و ایجاد شبکه تعاملی
ایجاد هماهنگی میان نهادهای تحقیقاتی و شکل‌گیری شبکه پژوهش
سازمان‌یابی پژوهش‌ها در حوزه‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای
استانداردسازی و ایجاد هماهنگی در ابزارهای گردآوری داده‌های فرهنگی
اقدامات موردنیاز برای شکل‌گیری و توسعه پایگاه داده‌های فرهنگی کشور عبارت است از:
شناسایی، استخراج و تجمیع داده‌ها از منابع مختلف
پاک‌سازی و پالایش داده‌ها و تبدیل آن‌ها به قالب استاندارد
بارگذاری داده‌ها در پایگاه داده
یکپارچه‌سازی داده‌ها و تولید انباره‌های داده و کلان داده‌ها
ارائه گزارش‌های پویا و تصویری از داده‌های پایگاه داده با واسطه نرم‌افزار و نمایش آن در وب‌سایت

نگهداری و پشتیبانی از سیستم‌های سخت افزاری و نرم افزاری پایگاه داده

در این راستا، الزامات توسعه پایگاه داده عبارت است از:

نحوه دسترسی و جمع‌آوری و تبادل داده‌های مذکور از طریق سازمان‌های ذیربط تفاهم‌نامه ارتباطات بین دستگاهی و فرادستگاهی
تصمیم‌گیری مدیریتی در مورد مسائل مربوط به پایگاه داده
تهیه فرم‌های استاندارد جهت جمع‌آوری و ذخیره‌سازی داده‌ها و اطلاعات
شبکه‌سازی بین سازمان‌ها جهت تجمیع و وارد کردن داده‌ها در پایگاه داده
همکاری و مشارکت سازمان‌ها در تشکیل و به‌روزرسانی دیتابیس
ارائه سرویس‌ها و خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به صاحبان داده‌ها به منظور جلب رضایت و همکاری
نیروی‌های انسانی و متخصصین موردنیاز

متن حاضر در راستای مباحث گفته شده، گزارشی از نشست علمی اول مرکز رصد فرهنگی کشور با موضوع «الزامات تأسیس و توسعه مرکز داده‌های فرهنگی کشور» است که در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۰ به صورت آنلاین و با حضور متخصصان و کارشناسان برگزار شده است و اینک مشروح مباحث مطرح شده در این نشست تقدیم مخاطبان می‌شود.

سیدمسعود حسینی‌گهر: ضمن خیرمقدم به همه حضاران در جلسه، هدف از این نشست، بررسی ضرورت‌ها و الزامات تأسیس و توسعه پایگاه داده‌های فرهنگی (مرکز داده‌های رصد فرهنگی) با نگاه فنی، محتوایی و تجربه‌های عملی در ایران است. در این نشست سعی ما این است که از جنبه‌های مختلف از جمله ماهیت و انواع داده‌های فرهنگی و اجتماعی، مرکز داده یا پایگاه داده، ضرورت‌های سازمانی، فنی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و محتوایی را بررسی کنیم. انشالله با مباحث متخصصان حاضر در جلسه، ما می‌توانیم برای پیشبرد امور مرکز رصد فرهنگی، با چشم بازتر و کارشناسی‌تر حرکت کنیم. ابتدا از آقای مهندس میرزایی خواهش می‌کنم مباحث خودشان را ارائه کنند.

حسین میرزایی: «نگاه پروژه‌محوری و سازمان پروژه» در تأسیس پایگاه داده‌های فرهنگی اهمیت به‌سزایی دارد. تمام ارکان پروژه از جمله مدیر اصلی و کلیدی، مدیر فنی، مدیر پشتیبانی و مالی و تمام مدیرانی که در این پروژه حضور خواهند داشت باید مشخص شوند. ما در پروژه «پایگاه رفاه ایرانیان» با چنین رویکردی کار را شروع کردیم و در هفته، جلسات متعددی بین این مدیران برای هماهنگی و گزارش پیشرفت کار برگزار می‌کردیم. این افراد (مدیران سازمان پروژه) باید جوان، پرکار و شایسته باشند. دومین تجربه استفاده از متخصصین است. ما جایی برای سعی و خطا نداریم و نمی‌توانیم فرصت‌ها را از دست بدهیم و به دلیل انتخاب‌هایی که مبتنی بر تخصص نیست پروژه را دچار شکست نموده و از طریق انتخاب‌های غلط یا سیاسی به پروژه خیانت کنیم. سومین موضوع از تجربه‌های بنده در پروژه رفاه ایرانیان، برون‌گرایی سیستمی است به این معنی که در پروژه گفته شده ما درها را نبستیم و بگوئیم این پروژه محرمانه است؛ با افراد مختلف از داخلی، خارجی، خبرنگار، مجلس و افراد فنی ماهر مسائل را در میان می‌گذاشتیم، نه اینکه جلسات معمولی بگذاریم. در طول پروژه مسائلی پیش می‌آمد که باید برای آن راه‌حل پیدا می‌کردیم و در حقیقت جلسات مبتنی بر حل مسئله تشکیل می‌شد. حل مسائل مالی، فنی، در حوزه داده‌ها و به‌روزرسانی، سیستم تبادل داده، انتخاب پیمانکاران، تدوین RFP و...؛ چهارمین تجربه زیسته بنده شجاعت مدیران و شجاعت مدیریتی است. تشخیص نواقص و حتی اعتراف به آن و برطرف کردن آن

نواقص، مثل غلط بودن بخشی از داده‌ها در پایگاه داده، نیاز به انتخاب درست برای مکان اجرای پروژه و ...؛ پنجمین نکته این است که نیروهای اصلی پروژه و مدیران پروژه نباید از طریق این پروژه به دنبال تأمین آینده سیاسی خود باشند. افراد شاغل در این پروژه نباید نگاه کارمندی به پروژه داشته باشند بلکه باید خود را صاحب‌کار و پروژه بدانند و از طریق جذب بودجه و امکانات حداکثر تلاش خود را برای پیشبرد پروژه بکار ببرند. شجاعت مدیران و شجاعت مدیریتی یعنی تشخیص نواقص و حتی اعتراف به آن و برطرف کردن آن نواقص؛ این موارد بالا با نگاه ایجابی و تجربه کاری بود و با توجه به این موضوعات باید سازمان پروژه و گروه کاری شکل بگیرد و کار شروع شود.

موضوع دیگری که وجود دارد موضوع نگاه آسیب‌شناسی به پروژه است (آسیب‌شناسی پروژه). این پروژه از جمله پروژه‌هایی است که در حین پیشرفت کار مسائلی مکشوف می‌شود و حالت اکتشافی دارد. باید در دل کار، کارها و اکتشافات کاری را شناخت و توسعه داد. ابتدا نقطه یا فاز صفر پروژه را باید خیلی سریع بالا بیاوریم و معطل مسائل حل‌نشده نمانیم و در حین کار آن را حل کنیم.

بحث بعدی، «تعریف و شناسایی داده‌های فرهنگی» است. مسئله داده‌های فرهنگی بحث مفصلی است. به نظر بنده ما در حوزه فرهنگ چند دسته داده داریم: یک دسته داده‌ها، اطلاعات جمعیتی و پایه‌ای مثل جغرافیایی و مکانی، شغلی و تحصیلی و ادیان و مذاهب و غیره؛ یک دسته داده‌ها، اطلاعات زیرساختی و ظرفیتی است مثل مساجد، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، مدارس، سرای محله؛ یک دسته داده‌ها، اطلاعات محصولات فرهنگی هستند مثل فیلم، کتاب، نرم‌افزار و...؛ یک دسته داده‌ها، اطلاعات پیمایش‌ها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی هستند. این چهار دسته را بگذاریم روی میز و سریع یک ماتریس در بیاوریم و ببینیم کدام داده‌ها را داریم و کدام ناقص است. به سرعت فاز صفر را بالا بیاوریم و به مرور بقیه داده‌ها را کامل کنیم.

موضوع آسیب‌شناسی دیگر «تجمیع داده‌هاست». برای تجمیع داده‌ها نباید ولع داشته باشیم. همچنین نباید هیاهو و غوغا به پا کنیم. برای تجمیع داده‌ها باید بدانید داده گرفتنی است. باید با شناخت و برنامه نزد سازمان‌ها بروید. ما با یک ماتریس می‌رفتیم به سازمان‌های مختلف، می‌دانستیم چه می‌خواهیم و آن‌ها هم می‌گفتند به شما داده می‌دهیم چون می‌دانید چه می‌خواهید. برای تجمیع داده‌ها باید از داده-سازمان شناخت داشته باشید. نامه‌نگاری صرفاً جواب نمی‌دهد باید با سماجت و حضورهای پی‌درپی و استفاده از ارتباطات نسبت به اخذ داده اقدام کرد. پایداری افراد و مدیران در این پروژه بسیار مهم است؛ نباید مدام افراد و مدیران را تغییر داد. از قدرت رسانه‌ها برای جریان‌سازی خبری و فشار برای اخذ داده از سازمان‌ها استفاده کنید. برای پایداری پروژه باید سرویس‌دهی به سازمان‌ها را در اولویت قرار دهید.

حبیب کرم پورگتابی: رسالت مرکز رصد، ایجاد یک نظام یکپارچه، مستمر، پایدار و تثبیت‌شده برای رصد فرهنگی است. ضرورت مرکز رصد فرهنگی ناظر به کشف روندها و ترندها در جامعه است که این خود مستلزم طی زمان و اخذ دیتا از داده‌های دوره‌ای با بازه‌های زمانی معین در جامعه است. مرکز رصد فرهنگی نگاهش به گذشته، حال و آینده است. مسائل داده‌های فرهنگی هم از جنس مسائل پژوهشی است و این ضریب سختی کار را در ایجاد پایگاه داده‌های فرهنگی نسبت به پایگاه داده‌های رفاه ایرانیان دوچندان می‌کند. حتی ممکن است پایگاه داده‌های رفاه ایرانیان به دلیل احساس نیاز دولت به آن در ساختار دولت جا گرفته باشد اما پایگاه داده‌های فرهنگی از چنین وضعی لاقفل در حال حاضر برخوردار نیست. تجربه‌ای که من دارم، ایجاد «سامانه مرکز رصد آموزش عالی» با رویکرد اجتماعی، فرهنگی و علمی است و فکر می‌کنم تا ماه آینده بارگذاری شود. در آن تجربه سختی کار، در جمع‌آوری داده‌هاست. بسیاری از سازمان‌ها آمار نمی‌دهند. به طور نمونه همین پژوهشگاه نیز مورد مکاتبه ما قرار گرفت و جوابی به درخواست ما برای اخذ داده‌ها داده نشد. ابتدا باید اشاره کنم ضرورت مرکز رصد فرهنگی ناظر به کشف روندها و ترندها در جامعه است که این خود مستلزم طی زمان و اخذ دیتا از پیمایش‌های دوره‌ای با بازه‌های زمانی معین در جامعه است. یعنی ثبت تغییرات جامعه در بازه‌های زمانی از طریق

پیمایش‌های معین و جمع‌آوری این داده‌ها و جمع‌آوری آن و بررسی روندها و ترندها که ما را به سمت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده‌نگر می‌برد و با تأخر فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها مقابله می‌کند.

مرکز رصد فرهنگی نگاهش هم به گذشته هم به حال و هم به آینده است و به تبع آن پایگاه داده چنین مرکزی باید مبتنی بر همین نگاه شکل بگیرد. رسالت این مرکز ایجاد یک نظام یکپارچه، مستمر، پایدار و تثبیت‌شده برای رصد فرهنگی است. الزامات چنین مرکزی بسیار مهم و قابل‌بررسی است به‌طور مثال پویایی این مرکز به دینامیک بودن داده‌هاست نه صرفاً جمع‌آوری و نگهداری داده‌های استاتیک. برای ساختار چنین مرکزی پیشنهاد یک شورای مشورتی دارم که متشکل از صاحب‌نظران این حوزه هست. این شورا می‌تواند مفهوم‌سازی فرهنگی، بایدها و نبایدهای مؤلفه‌های فرهنگ، چهارچوب نظری مرکز رصد فرهنگی و... را تعیین کند. موضوع دیگر در مورد پایگاه داده ذکر این نکته است که باید توجه داشت پایگاه داده آرشیو نیست و قرار نیست داده‌ها جمع و بایگانی شوند. جمع داده‌ها گام اول پایگاه داده مرکز رصد فرهنگی هست. حتی‌الامکان حتی باید به‌روزرسانی داده‌ها در مرکز رصد به‌صورت هوشمند انجام شود و سپس بتوان در لحظه هر داده‌ای را با داده‌های دیگر قیاس کرد. برای این منظور علاوه بر داده‌های پردازش‌شده حتماً باید داده‌های خام از سازمان‌ها گرفته شود و یا دسترسی به داده‌ای خام سازمان‌های فرهنگی برای مرکز رصد فراهم باشد. با داده‌های خام و امکان استفاده از آن توسط پژوهشگر می‌توان به تحلیل ثانویه دست یافت. نکته مهم دیگر میل سازمان‌ها به اشتراک‌گذاری داده‌هایشان است؛ حتی شاید سازمان‌هایی با مکاتبات بین وزراء نیز نتوانند مشکل را حل کنند و نیاز به مداخله رییس‌جمهور باشد. به عبارتی مرکز رصد یک مرکز حاکمیتی است.

نکته بعدی استفاده از داده‌های پایان‌نامه‌ها خصوصاً پایان‌نامه مقطع دکتری در موضوعات مرتبط است که داده‌های بسیار خوبی دارد. گرفتن این داده‌ها یا از دانشگاه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق ایران‌داک قابل پی‌گیریست. البته دانشگاه تهران پایان‌نامه‌ها را به ایران‌داک نمی‌دهد. موضوع بعدی انتشار نتایج و یا در اختیار عموم قرار دادن داده‌هاست که محرمانه تلقی نمی‌شود. البته با تعریف سطح دسترسی. نکته پایانی تشکیل مرکز رصد آنالیز داده با گروه فنی متبحر است. در چنین مرکزی داده‌ها ابتدا استاندارد شده بعد بارگذاری و یکپارچه می‌شوند و از طریق نرم‌افزارهای مختلف آن را آنالیز و تجزیه و تحلیل می‌کنند.

جعفر تنها: استفاده از «هوش مصنوعی در داده‌کاوی و تجزیه و تحلیل داده‌ها» در مرکز داده‌های رصد فرهنگی ضروری است. نکته ابتدایی و مهم، ضرورت و نیاز به تشکیل انبار داده‌ها و مخازن دیتایی و داده‌ای متنوع و مختلف برای دیتاسنتر مدنظر در مرکز رصد فرهنگی است. در این مخازن بر اساس معماری‌های خاص، داده‌ها نگهداری و در هر زمان با الگوریتم‌های تعریف‌شده جهت استفاده، فراخوان، جمع و تجزیه و تحلیل می‌شوند. البته مسئله به این سادگی نیست و پیچیدگی‌های زیادی برای استفاده درست از این مخازن وجود دارد، فقط به همین اکتفا می‌کنم که داده‌کاوی مجموع سینگل آنالیز نیست. نکته ابتدایی نیاز به تشکیل انبار داده‌ها و مخازن دیتایی و داده‌ای متنوع و مختلف برای دیتاسنتر مدنظر در مرکز رصد فرهنگی است. یکی از راه‌های غلبه بر این پیچیدگی استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین است. تشکیل دیتا ورهاوس‌های (انبار داده) مختلف و مخازن داده‌های متنوع با استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، ما را به سمت الگوسازی‌های آنالیزی می‌برد، از این مسیر ما به دانشی که می‌خواهیم از داده‌ها کشف و استخراج کنیم می‌رسیم. البته این مراحل هر کدامشان زمان و هزینه و کار زیادی می‌خواهد. حتی در این الگو ما به راحتی می‌توانیم شبکه‌های اجتماعی را به‌صورت دائمی رصد کنیم و با یکپارچه‌سازی با داده‌های دیگر به آنالیزها و نتایج غیرقابل‌باور و کاربردی دست یابیم.

سید مسعود حسینی‌گهر: آقای دکتر میرزایی طبقه‌بندی خوبی را داشتند که ما از چه مسیری پیش برویم که به داده‌ها دسترسی پیدا کنیم و چه استفاده‌هایی از سرویس‌دهی داشته باشیم، به دنبال این هستیم که بحث دیتاسنتر را مطرح کنیم، از طریق دیتاسنتر بتوانیم سرویس‌دهی خوبی را به مجموعه‌ها داشته باشیم. رفتار داده‌ای

ما با رفتار داده‌ای مرتبط با حوزه رفاه ایرانیان متفاوت است و شاید به این سرعت و دقت نتوان سریع سرویس‌دهی را آغاز کنیم. باید در حوزه داده برخی خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در دیتاستر ایجاد کنیم و به مجموعه‌هایی که با آن‌ها تعامل داریم ارائه بدهیم. می‌توانیم فضای ذخیره دیتا در اختیار مجموعه‌ها قرار بدهیم، اگر یک دیتاستر خوب طراحی کرده باشیم؛ می‌توانیم پهنای باند خوبی را در اختیار مجموعه‌ها قرار بدهیم و به‌عنوان یک سرویس‌دهنده در حوزه سرور عمل کنیم. رفته‌رفته با تولید نرم‌افزارهای مناسب مجموعه که برای کار تولید داده‌های فرهنگی نیاز به این نرم‌افزارها دارند از طریق ارائه سرویس‌ها در حوزه نرم‌افزارها و اپلیکیشن هم می‌توانیم مجموعه‌ها را جذب کنیم. سپس در جریان تبادل خدمات و سرویس‌دهی، مجموعه داده‌های آن‌ها را هم درخواست کنیم و رفته‌رفته با ایجاد یک چنین مسیری به یک دیتاستری که محتوا و داده‌های مناسبی داراست، تبدیل شویم.

اسماعیل غلامی‌پور: باید با مطالعه پایگاه داده ایرانیان و تجربه آقای میرزایی استفاده مناسبی از این فعالیت داشته باشیم. اینکه به لحاظ فنی و سازمان‌دهی خود دیتا به چه شکلی بارگذاری شده و چه شکلی از آن گزارش‌گیری می‌شود. این مواردی که مطرح شد تجربه گران‌قدری است و به همین صورت می‌توانیم در مورد مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تجربه آقای دکتر حبیب‌پور هم استفاده کنیم. قبل از الزامات فنی و سازمانی ما باید بدانیم وقتی در حوزه اجتماعی و فرهنگی بحث می‌کنیم که دیتاها ماهیت ویژه خودش را دارد، از پیمایش‌هایی صحبت می‌کنیم که در حوزه علوم اجتماعی انجام شده است، ما حول‌وحوش ۲۸ پیمایش را احصاء و دسته‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین باید بدانیم که دیتای ما چه ماهیتی دارد و دیتاهای مستخرج از همان ابزار پیمایش است که به شکل نمونه‌گیری انجام شده. اینکه دیتای ما داده‌های ساختاریافته است، از پیش وارد دیتا ورهوس می‌شود، داده‌های تصویری است و غیرساختاریافته است، بنابراین این‌ها مهم است که ما ماهیت دیتا در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی را بشناسیم. نکته بعدی در مورد تعداد دستگاه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی است در کشور ما در حال حاضر حدود ۲۰۰ دستگاه فرهنگی احصاء شده است که یا تولید داده می‌کنند و یا مجری هستند و اگر سیاست‌گذاری و سازمان‌هایی که تولید داده می‌کنند در نظر بگیریم این‌ها به چه شکلی داده‌هایشان را به مرکز رصد انتقال دهند و به چه شکلی ساختاریافته باشد؟ یا اینکه لزومی ندارد این‌ها به هر شکلی وارد می‌کنند و ما در دریاچه داده و دیتاورهوس که گفته شد، با چه مکانیزمی آن را ساختاریافته می‌کنیم و درنهایت داشبورد می‌سازیم. این بحث‌های جزئی است که باید به آن پرداخته شود. در مورد پیمایش‌ها خیلی مناقشه وجود دارد، در مورد شاخص‌سازی، اصل داده، نمونه‌گیری و... اگر آن مناقشه‌ها را نداریم کنار پیمایش‌ها؛ به چه شکلی باید در دیتاورهوس قرار بگیرد؟ و به چه شکلی باید گزارش داده شود؟ و آیا داده‌های پیمایشی را می‌توانیم به داده‌های ثبتي پیوند بزنیم؟ به این پرسش‌ها باید پاسخ داد.

حسین میرزایی: افراد شاغل در پروژه پایگاه نباید نگاه کارمندی به پروژه داشته باشند

کرم حبیب‌پور گتایی: مرکز رصد فرهنگی با آن پایگاه داده عمومی کاملاً فرق می‌کند به همین دلیل آقای غلامی‌پور اشاره کردند مرکز رصد مجموعه‌ای از پروژه‌هاست، پروژه پژوهشی انجام می‌شود و صرفاً پژوهش تنها پیمایش نیست، پژوهش‌های اسنادی داریم و می‌توان از داده‌های ثانویه و حتی داده‌هایی که در داکيومنت هستند به آن‌ها هم توجه کنند. می‌شود مرکز رصد را به داده‌های کمی و کیفی نزدیک کنید و در خیلی از تحلیل‌ها می‌توانید داده‌های کیفی انجام بدهید. بعضی از سازمان‌ها هستند که مستقیم کار فرهنگی نمی‌کنند به‌طور مثال شاید سازمان‌های فرهنگی وزارت علوم - خیلی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های وزارت علوم مهم هست که عمده‌ای از پایان‌نامه‌های تفضیلی و انتقادی هست و داده‌های مقطعی قابل‌استفاده و باید خودمان یکپارچه کنیم. مرکز رصد نیاز به داده‌های طولی دارد بنابراین پیمایش‌هایی که خود پژوهشگاه و سازمان‌های دیگر به‌صورت طولی انجام می‌دهند که احتمال خطا در آن‌ها خیلی کمتر است باید مورد بهره‌برداری قرار بگیرند. مرکز رصد نیازمند ساختارهای سازمانی است و کارشناسانی در آن باشند که سؤال قبل از اینکه لود شود سؤال استاندارد شود. برای مرکز رصد حتماً داده‌های خام، بخش روش را حتماً گرفته شود.

اسماعیل غلامی‌پور: داده پیمایش قبل از اینکه وارد سامانه بشود نیازمند پاک‌سازی و دسته‌بندی و شاخص‌سازی دارد و این کار را چه کسی می‌تواند انجام دهد؟ اگر کارشناسان مرکز رصد باید انجام دهند یک نوعی دانش و جهت‌گیری ممکن است روی آن اثر بگذارد، اگر بخواهند شاخص هم بسازند، از چه مؤلفه و گویه‌هایی یک شاخص بزرگ‌تر می‌سازند. اشتراک نظر در مورد شاخص‌های سرمایه اجتماعی و در خود شاخص‌های مصرف فرهنگی زیاد است ولی اگر اختلاف‌نظرهایی وجود داشته باشد که هست چه باید کرد؟ این دیتاهای خامی که می‌گیریم و نیاز به دسته‌بندی و پاک‌سازی دارد، دیدگاه نظری پژوهشگر روی آن اثر می‌گذارد و دیدگاه روشی روی خود دیتا چطور قابل‌حل خواهد بود. شاید نیاز نباشد که کارشناس مرکز رصد شاخص بسازد، فقط داده‌های جدید را با داده‌های قبلی و داده‌های مرکز رصد انطباق می‌دهد و آنجایی که ناهم‌خوانی است ادیت کند. در سامانه مقیاس‌ها مشخص است و منتها خود محقق باید دقت کند که گزارشی که می‌نویسد متوجه این ارجاعات باشد.

کرم حبیب‌پور کتابی: البته دسترسی‌ها مشخص است و نوع دسترسی‌هایی که می‌دهیم مشخص است و قطعاً هرکسی به همه داده‌ها دسترسی ندارند.

پوریا عبدی: گردآوری داده‌های بعضی از دستگاه‌ها تقریباً با دقت انجام می‌شود مثلاً پیمایش سرمایه فرهنگی دانشجویان در وزارت بهداشت بسیار دقیق کار شده است، در اکثر پیمایش‌ها داده‌های خام با تغییرات مدیریتی سازمان‌ها دچار لطمه می‌شود یا منتشر نمی‌شود و با توجه به هزینه‌های مختلفی که انجام شده داده‌های خام اغلب پیمایش‌ها در دسترس نیست. در بحث بین‌المللی مرکز رصد، موضوع زمان‌بندی‌ها و اولویت‌بندی‌هاست، در بخش بین‌الملل مرکز رصد یکی از موضوعاتی که می‌تواند انجام شود مقایسه ایران و جهان است. ساختار نیاز به پرسنل و فضای اداری و هزینه دارد. کارشناس‌ها حتماً فوق‌لیسانس به بالا باشند، آشنایی با کار پژوهشی داشته باشند و با چند نرم‌افزار آماری از جمله SPSS و اکسل آشنایی کامل داشته باشند.

علی آقابابا: یکی از وظایف شورای فرهنگ عمومی رصد تحولات فرهنگ جهانی است در این مرکز داده برای داده‌های بین‌المللی جایی لحاظ شده است؟

اسماعیل غلامی‌پور: در مورد موضوع بین‌الملل همان‌طور که در بحث صنایع فرهنگی و صنایع خلاق شاخص‌ها و آمارهای فرهنگی اروپا مورد توجه بود در بحث صنایع خلاق مشکلی هست که دیتاهای مناسب و منسجم در مورد صنایع خلاق کم است و این یکی از ضرورت‌هایی است که به خاطر آن مرکز رصد فرهنگی شکل گرفته است. داده‌های پراکنده‌ای وجود دارد که منسجم و یکپارچه نیستند و ما باید آنها را یکپارچه کنیم. هدفمان این هست که به این سمت برویم. به لحاظ استانی هم دیدگاهی ما این است که تمام استان‌ها را در این پروژه مشارکت دهیم، چه تولید داده و چه در استفاده از داده؛ مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هر استان و دبیر شورای فرهنگ عمومی که هر دو مشارکت دارند. باید بدانیم مکانیزم آن به چه صورتی خواهد بود در مورد زمان‌بندی هم نمی‌شود چشم‌انداز زمانی خیلی مشخصی داد، بستگی به بودجه و شرایط سازمانی ما دارد و البته برنامه‌های زیادی داریم با احتیاط پیش می‌رویم و نمی‌توانیم میلیاردها تومان بودجه درخواست کنیم و برنامه مشخصی نداشته باشیم. در بحث دیتا احتیاط می‌کنیم که دیتا منظم باشد و نمی‌توانیم وعده‌های بزرگ بدهیم؛ از کوچک شروع می‌کنیم تا به بزرگ برسیم. فکر بزرگ داریم اما از کوچک شروع می‌کنیم. تا الان هم دستاوردهایی بوده که زحمت زیادی برای آن کشیده شده است و بینش‌های زیادی به دست آمده است. بر روی یاری مدیران و کارشناسان پایگاه ملی رفا ایرانیان حساب می‌کنیم؛ از تجربه ارزشمند آقای دکتر حبیب‌پور در «سامانه مرکز رصد آموزش عالی» همچنین از تجربیان مرکز رصد اجتماعی کشور و مرکز رصد شهرداری تهران؛ از متخصصین علوم داده، افرادی چون دکتر تنها نیز بهره خواهیم برد.

Database [1]

(Database Management System (DBMS [2]